



مبانی رفتار کودکان

دکتر شکوه نوابی نژاد

مستعد هرگونه حمله و یاغش می باشد احتمالاً" در اونگرانی و اضطراب زیاد به وجود می آورد. کودکان دوست دارند که مطابق و مشابه کودکان دیگر باشند، ولی متأسفانه کودکان مبتلابه صرع معمولاً می دانند که با دیگران تفاوت دارند، بویژه اگر درمورد آنان رفتارهای خاصی اعمال شود مثلاً (در هنگام ورزش بدن سازی، شنا و غیره).

معلولیت‌های جسمی ممکن است اثرات بسیار عظیمی بر رفتار داشته باشند، کوچکی جثه و کوتاهی قد، کودک را نگران می سازد.

کودکان معلول نیز احتمالاً "به دلیل آن که تحت توجه و مراقبت شدید خانواده قرار دادند بسیار لوس هستند. همچنین کودکان دست و پا چلفتی به علت بد خطی و ناموزونی در ورزش اغلب به درد سر می افتند. کودکان چاق نیز مورد شوخی قرار گرفته و دیگران به آنها القاب زشت و نامطبوع می دهند. — سرور رویر (۱۹۷۱) Trevor - Roper) در کتاب فوق العاده جالب و عالی خود تحت عنوان " The World Through Blunted sight " دربارهٔ تأثیر دید چشم (قدرت و یا ضعف آن) در کودکان به خصوص در ارتباط با موضوع هنر می نویسد :

چشمان نزدیک بین باعث می شود که کودک در بازی و ورزش از همسالان خود عقبتر بماند و به علت نارسائی در تشخیص فواصل، به ناء — سرو سینما بی میل شود، به همین دلیل او علاقه بیشتری خود را معطوف خواندن می کند، او همه چیز را می داند و این باعث می شود که معلمان از او خوشنود شده، دوستان را از دست بدهد و معمولاً " به موفقیت‌های درسی بزرگسری، در مقایسه با دوستانش، نائل شود. کودکان دوربین

کروموزومها و رفتار

ناهنجاری و اختلالات پاره‌ای از کروموزومها با اختلالات و ناهنجاریهای رفتاری همراه است که عمده‌ترین آنها نارسائیها و عقب ماندگیهای ذهنی است. جالبترین و قابل ملاحظه‌ترین نمونه آن، وجود کروموزم اضافی ۲ می باشد: تعدادی از پسران که این وضع را دارند دارای قدی بیش از اندازه بلند و رفتارهای بزهکارانه اند.

بیماریها و رفتارها

بسیار بدیهی است که ناسالم بودن فرد بر رفتارش اثر می گذارد.

بیماریهای مزمن مثل کلیت روده (اسهال حاد و مزمن) یا آسم شدید، احتمالاً " بر رفتار به گونه‌های مختلف و قابل پیش بینی تأثیر می کند، و رفتارهایی چون کاهش تحمل کار و فعالیت و ورزش، بی میلی نسبت به هرگونه تلاش و کوشش و احتمالاً " بی تفاوتی در امور ضعف در تمرکز حواس و افسردگی نتیجه آن است. بیماری صرع نیز به گونه‌های مختلفی بر رفتار مؤثر است.

داروهایی که برای درمان صرع به کار می رود بر رفتار کودک و عملکرد درسی و مدرسه‌های او همان گونه که قبلاً اشاره شد، تأثیر می گذارد. صرع مرکز گیجگاهی، گاه‌ها تغییر خلق ناگهانی و تحریک‌نسنده و بدون دلیل و یا با خنده‌هایی بی مورد و یا رفتار خود به خود و اتوماتیک همراه است. آگاهی کودک به این که



به ورزش و دیگر فعالیتهای محیط باز علاقه مند ترند، این کودکان گرایش زیاد دارند که مردانه، پرخاشگر، محبوب و برونگر باشند، در نتیجه به علت فرار از مدرسه وی-توجهی ناشی از نارسایی در نزدیکی بینی غالباً " در مدرسه به درد سر می افتند. کودک ناشوا اگر نتواند نیازهای خود را مطرح کند و یا به شیوههای غیر قابل قبول آنها را بیان و ابراز کند، احساس شکست می نماید. (۱۹۶۸ Burton). کودکی که دارای اختلالات ویژه یادگیری است (به ویژه دیسلکسی) احتمالاً با برنامه ریزی برای فرار و پناه گرفتن رفتار دیگری، به مشکلاتش پاسخ می دهد. همچنین کودک مبتلا به فلج مغزی اسپاستیک (فلجهای دو دست و دو پا است که به شکل سفت جلوهگر می شود.) کودک تنهائی است که دوست یافتن را بسیار مشکل می باید.

کودک یکی یک دانه

در پرورش کودک، سختگیریهای غیر معمولی رابه کار می برند که خود موجب ایجاد ناامنی در او می گردد.

اضطراب بیش از حد مادر ممکن است کودک را بزدل و ترسو کند، تا حدی که شدیداً " از اشتباه کردن وحشت داشته باشد. او که از رقابت خواهر و برادر محروم است (به خصوص در محیطهای روستایی) به تنهایی و گوشه گیری گرایش پیدا می کند و هنگامی که به مدرسه می رود به علت این که به داشتن همبازی عادت نکرده است، غالباً " محبوبیتی کسب نخواهد کرد. او ناگزیر است در مدرسه به گونه ای دردآور،

شخصیت کودک یکی یک دانه، تا حدودی بستگی به زمینه ها و شرایطی که او را به سمت یک دانه بوهن کشیده است، دارد. این شرایط می تواند سن مادر، بیماری، ناهنجاریهای رحم مادر (که حاملگی را خطرناک و یا غیرممکن می سازد)، و یا مرگ خواهر و برادر باشد. در این گونه موارد والدین بسیار سهل گیر و مراقبند. همچنین کودک بیش از حد مورد ستایش قرار می گیرد و چون از توجه زیاد بزرگسالان برخوردار است، بی نهایت خودرأیی خواهد شد. شخصیت او تا حدودی به نوع تیپ والدین و نگرشهای آنان بستگی دارد. برخی از زن و شوهرها که از خطر لوس کردن تک فرزند آگاهند

بیشتری پیدا خواهد کرد و در سالهای بعد احتمالاً "بیش از کودکان دیگر، با قوانین درگیری خواهد داشت. او با حایه جایی از یک موقعیت مهم متعلق به کودک بزرگتر، (بخصوص اگر بین او و کودک دیگر یک کودک کوچک قرار گیرد) به شدت دچار حسادت می شود. به نخستین کودک، مسوولیت‌های بیشتری واگذار می گردد و این امر در مورد دختر، بیشتر صادق است. او معمولاً از مراقبت کردن خواهر یا برادر کوچکش، آزردده و خشمگین می شود و زمانی که سنش بالا می رود به خاطر مراقبت از خواهر یا برادر کوچکتر، گاه از مدرسه رفتن باز می ماند. در اختلافات و حوادث ناگوار، معمولاً "کودک بزرگتر است که مورد شماتت و سرزنش قرار می گیرد و از این بی عدالتی سخت ناراحت می شود. والدین انتظار دارند او از بچه‌های کوچکتر بهتر و صحیح تر رفتار کند و همیشگی این که کودکان دیگر برای عملی که او به خاطرش تنبیه شده، حتی مورد سرزنش هم قرار نمی گیرند به شدت دچار حسادت می شود. او نسبت به خواهر و برادران کوچکتر خود، کمتر گرایش به بر خاشگری دارد.

کوچکترین فرزند خانواده، به احتمال زیاد شیوه‌های گوناگون جلب توجه را می داند و به کار می گیرد. او نیز در مدرسه مشکلاتی خواهد داشت، مگر آن که "دومین کودک یک‌دانه" باشد.

نگرش همسالان

عدای از کودکان بیش از بقیه مورد آزار و اذیت همسالان واقع می شوند و از این بابت احساس خطر می کنند. بیان و ذکر عوامل درگیر

آنچه را که دیگران از خواهر و برادر خود، در خانه، آموخته‌اند، فرابگیرد. او باید بیاموزد که دیگر با روشهای خاص خود نمی تواند آنچه را می خواهد، به دست بیاورد و همچنین برای برخورداری از دوستیها، باید خود خواه نبوده در بازیها نقلاب نکند.

معلمان احتمالاً "کمتر با نافرمانی و یا اجراء نکردن دستورات، در مورد این کودکان، مواجه خواهند بود، در ضمن خوراکی خوردن برای این نوع بچه‌ها بیشتر یک عادت و سرگرمی است تا وسیله رفع گرسنگی.

یکی از همکاران من اصطلاح "دومین کودک یک دانه" را برای کودکی که سالها پس از تولد کودک قبلی به دنیا می آید، ابداع کرده است. او کودکی است ناخواسته که بر حسب تصادف غالباً "لوس و بیش از حد مورد مراقبت و توجه والدین و خواهر یا برادر بزرگتر می باشد. مشکلات او بسیار شبیه مشکلات کودک منحصر به فرد خانواده است.

کودک اول خانواده معمولاً "دارای حشامی کوچکتر از کودکان دیگر است، او زودتر از بقیه بچه‌ها به حرف می آید و این حقیقت نظیر والدینی را که معتقدند کودکان حرف زدن را بیشتر از خواهران و برادرانشان می آموزند رد می کند. آنچه مسلم است کودک بیشتر از پدر و مادر می آموزد و آنان نیز برای فرزند اول خود بیشتر وقت برای حرف زدن و کتاب خواندن دارند. بد غذایی و به اصطلاح والدین بی اشتها یا کم اشتها یا تقریباً "محدود و منحصر به اولین و یا به تنها فرزند و یا دومین کودک یک دانه است. بد خوابی در بچگی نخستین کودک و یا تنها کودک متداولتر از بقیه بچه‌هاست، و با بزرگتر شدن مشکلات رفتاری



در این قضیه، با اطمینان و اعتماد کامل، چندان ساده و آسان نیست. کودکان ممکن است به علت چاقی، زود به گریه افتادن، تندخوئی بی عرضگی، لکت زبلن، مبهم حرف زدن داشتن لهجه غیر معمول در مدرسه، شیوه غیر معمول در حرف زدن، تعلق داشتن به طبقه اجتماعی خاص و متفاوت با بقیه در مدرسه پوشیدن لباسهای غیر عادی، داشتن دندانهای جلو آمده یا ابتلا به آگزمای کودکی و... مورد آزار و تمسخر کودکان دیگر قرار گیرند، و یا این که به علت بزدلی و ترس و ناتوانی در دفاع از خود مورد استهزاء واقع شوند. برای مثال بیتت (Yeats) سالها در مدرسه بی رحمانه، آزار و تهدید می شد، زیرا به علت کمروبی، زودرنجی و مخالفتهای شدید، هرگز قادر به تلافی کردن رفتار دیگران نبود. الکساندر دومارا به علت آن که زود به گریه می افتاد مسخره می کردند. کودکان کم هوشتر معمولاً "بیشتر سربه سر کودکان باهوشتر می گذارند، بخصوص آن دسته از کودکان با هوش که پرکار و پرتلاشند و در ورزش نیز چندان ماهر نیستند.

کودکان ریز نقش به طور قابل ملاحظه‌ای مورد آزار و تمسخر واقع نمی شوند. گمان می برم احتمال اذیت کردن کودکان بسیار قد بلند به مراتب بیشتر است، بویژه اگر رشد عاطفی و ذهنی آنها کمتر از رشد جسمانی شان باشد. بچه‌ها مخصوصاً دختران، ممکن است به علت بلوغ دیررس دست آویز شوخی دیگران قرار گیرند.

کودگانی که نتوانند از خود دفاع کنند دچار احساس ترس و تهدید می شوند. این وضع اغلب در نتیجه نگرش والدین که پیوسته از هر نزاعی در خانه جلوگیری کرده‌اند و یا به علت

یکی یک دانه بودن کودک، به وجود می آید. مراقبت بسیار زیاد از کودک، اورامتقاعد می سازد که ناشایسته و ناتوان است و پیوسته باید از کمک والدین برخوردار باشد، در نتیجه هنگامی که مدرسه را آغاز می کند زندگی برایش بسیار دشوار می گردد.

اگر کودکی به طور غیر معمول زشت ، لـوج چشم و گوش دراز ، چاق و غیره . . . باشد مظلومانه آماج تمسخر و تفسیرهای عاری از محبت دیگران قرار می گیرد . بسیاری از کودکان که سرنوشت از آنان افراد مشهوری ساخته است نسبت به زشتی خود ، کاملاً " وقوف و آگاهی داشته‌اند . گفته می شود که سقراط قیافه مسخره زشتی داشته ، چشمانش دوار هم و با فاصله و بینی اش پهن بوده و با وقار یک طعمه وحشی راه می رفته است . پدر میرابو (Mirabeau) معتقد بود پدرش بسیار زشت است و در نتیجه از جانب پدر شدیداً " طرد شده بود . لئوتولستوی (Leo Tolstoy) به گونه‌ای درد آور ، از زشتی خود آگاه بود ، او نمی توانست باور داشته باشد که آدمی به زشتی او ، می تواند خوشبخت شود . دیگران بها و می گفتند که شکل گوریل است . چشمانی ریز و گود رفته ، پیشانی کوتاه بینی بسیار پهن فرورفته و گوشهای بسیار بزرگ از مشخصات ظاهری اش را تشکیل می داد .

وقوف او به زشتی اش تا حدی بود که روزی تصمیم به خود کشی گرفت . ترفرونوبل (Turner & Nobel) پسران زشتی بودند . آنتونی ترولوپ (Anthony Trollope) را به عنوان پسری بد ترکیب ، زشت ، بد لباس و کثیف توصیف می کردند .

طبقه اجتماعی ، فقر و محیط زیست

کوششها و تلاشهای بسیاری برای تحلیل اوضاع و ویژگی خانواده‌های متعلق به طبقه پائین اجتماع ، یعنی خانواده‌هایی که در آن فقر حاکم می باشد ، به عمل آمده است . در این جا خلاصه‌ای از عوامل همراه با فقر بر اساس نتایج

تحقیقات ارائه می شود .

در دوران کودکی و نوزادی

میزان بالائی از زودرس بودن .

وزن پائین هنگام تولد ،

سقط جنین و کودک مرده به دنیا آوردن

بیشتر .

مرگ و میر بیشتر ، پیش از تولد و در دوران

کودکی ، کودکان نامشروع زیادتیر

تغذیه مصنوعی بیشتر (استفاده از شیر

خشک به جای شیر مادر)

استفاده فراوان از تقلید حرکات و ادا

در آوردن به جای حرف زدن

ناسوری و التهاب زیاد بدن در کودکان به

علت قنطاق و کهنه و پوشک ، مصرف بیسکویت و

نان بیش از اندازه

در شرایط کلی

میانگین بهره هوشی پائین تر

عملکرد مدرسه‌ای ضعیفتر در مقایسه با

کودگانی با همان بهره هوشی ، متعلق به طبقات

متوسط اجتماعی

وقوع بیشتر و فراوانی بالاتر :

بزهکاری

تنبیه بدنی

سیلی خوردن به علت دست زدن به آلت

تناسلی

کمروئی و قناعت دروغین

عدم کنترل ادرار ، آموزش توالی رفتن

دیرتر از معمول

چپ یا لوج بودن چشمها

نقص در صحبت کردن

مشکلات خواندن

عقب ماندگی ذهنی

تب رماتیسمی - سل

کودک یکی یک دانه	عفونت مجاری ادرار
دومین کودک یک دانه	تورم مجاری شنوایی
مادر مسن	کرم خوردگی دندان
والدین عصبی ونوروتیک: یا بیماری روانی	عفونتهای پوستی، خارش پوستی، تخم گذاری
وافسردگی والدین .	حشرات انگلی
بهره هوشی پائین دروالدین، نادانسی	کم خونی
دوران کودکی ناشاد والدین	چاقی مفرط
والدین کریا نابینا ویادارای معلولیت های	سوانح - بویزه سوختگی، جراحت
دیگر	اسهال
کودک معلول یا مبتلا به بیماریهای مزمن و	کثیف غذا خوردن
حاد	سیگار کشیدن
چاقی مفرط، کوچکی جثه	شلختگی و دست وپا چلفتگی
الگوها و نمونه های بد درخانه	عدم آینده نگری
نبودن انضباط و دیسیپلین یا دیسیپلین	بول توحیبی
خشک وشدید	دوچرخه نو (که درطبقات پایین اجتماعی
اختلافات خانوادگی: طلاق، جدائی	بیشتر دست دوم تهیه می شود)
والدین .	قد کوتا هتر
خانه ناشاد . خانواده دارای مشکل	بلوغ دیررس تر
خانواده پرجمعیت، فقر	ساعت خواب دیرتر
خانواده با وجود فقط یکی از والدین	خانواده پرجمعیت تر، فواصل سنی کمترین
جدائی طولانی از مادر درسه سال اول	بچه ها
زندگی .	کمتر عمل لوزه انجام می گیرد
مخله و محیط زندگی بد و نامطلوب	کمتر عمل ختنه انجام می گیرد
دستجات وگروههای همسن	وجود تعداد کمتری کتاب درخانه
مادری که درکتابهای روان شناسی کودک	زودتر ترک کردن خانه به قصد مدرسه
مستحیل شده است .	خطرات روانی

خلاصه

هرچند دلایلی که مشکلات رفتاری را ایجاد می کند، برای ما شناخته شده است، لکن نمی توانیم بگوییم چرا یک کودک بر اثر این علل به مشکل خاصی مثل تیک و دیگری به

این بخش عمدتاً " خلاصه و مروری بر مطالب قبلی است، عواملی که کودک را بویزه در معرض گسترش مشکلات عاطفی وهیجانی قرار می دهد به شرح زیر است .

طرز شدگی، کودک ناخواسته، کودک نامشروع



حیز دیگری باشد. ما باید تلاش کنیم و ببینیم چرا و به چه علت، این مسأله به وجود آمده است. تنبیه کردن کودک به دلیل مشکل رفتاری خاصی که به طور منطقی، قابل سرزنش نبوده، و موحد آن، وضع خانوادگی، محیط زندگی و زمینه‌های ارثی می‌باشد، بسیار احمقانه است. بالاتر از همه باید به خاطر داشته باشیم که تمامی کودکان، والدین و معلمان، دارای مشکلات رفتاری هستند و به منظور مقابله با آن باید سعی کنیم تا مناو و زمینه‌های رفتاری آن را ساخته و درک کنیم.

شب ادراری دچار می‌شود. موارد بسیاری وجود دارد که مبنای رفتاری آن برای ما شناخته شده نیست. هیچ کس همه پاسخ‌ها را نمی‌داند و کسی نیست که ادعا کند قادر است از تمامی مشکلات رفتاری پیشگیری کند. ممکن است ما والدین بیمار و با والدین خود را مورد انتقاد قرار دهیم و از اشتباهاتی که آنان مرتکب شده‌اند، خودداری کنیم، لکن بسیار محتمل است که در عوض در جالبه اشتباهاتی که آنان موفق به دوری از آن شده‌اند بیفتیم. بنابراین صحیح نیست که والدین را به خاطر اشتباهاتشان ملامت کنیم و با کودک را به علت رفتارش مورد سرزنش قرار دهیم؛ بلکه باید، پیوسته متوجه ما و رای مشکلات باشیم، خواه مشکل ترس، نیک، پرحینب و جوسی و یا هر